

**خانم ترانه علیدوستی مبارز کهنه کار ایرانی** سرانجام بعد از ۳۸ سال مبارزه پنهانی وارد فاز علنی مبارزه شد. او که سالها در پوشش جتین، نوزاد، دانش آموز و بازیگر مشغول مبارزه با حکومت بود در حاشیه جشنواره فیلم کن صراحتاً و شجاعانه اعلام کرد از صبح که از خواب بیدار می شود تا شب مشغول مبارزه با حکومت است. در این مطلب ابتدا نگاهی داریم به مهم ترین سوابق مبارزاتی این زن شجاع و در ادامه برنامه روزانه مبارزاتی او را مرور خواهیم کرد.



ناصر جوادی

## رونمایی از برنامه روزانه مبارزاتی ترانه علیدوستی

# زچریکی با صورت شسته!



◀ Previous

Next ▶

### بالگد شروع شد!

اولین مبارزه ترانه به آبان ماه سال ۶۲ برمی گردد. مادرش برای گرفتن چهل و هفتمین مرحله کوپن در صف ایستاده بود و تنها سه نفر تا گرفتن کوپن و رفتن زیر بار منت جمهوری اسلامی مانده بود. اما خوشبختانه ترانه که هنوز معلوم نبود اسمش ترانه خواهد بود یا کبری یا حتی تراب و تیمور با لگدی خانانه مادر را از گرفتن کوپن حکومت منصرف کرد.

### وَنگی به بلندی فریاد!

یک ماه بیشتر از عمرش نگذشته بود که خانواده قصد حضور در راهپیمایی ۲۲ بهمن را داشتند. هرچه تقلا کرد به آنها بگوید کرامت انسانی تان را به یک ساندیس نفروشد موفق نشد. پس تا می توانست ونگ زد و با دل درد نمایی تا پایان راهپیمایی خانواده را مشغول آروغگیری کرد.

### حکومت با «ه» دو چشم!

سال چهارم دبستان سر رنگ املا، به هینه پنه دادن برای مبارزه را به تن خود مالید و حکومت را با ه دو چشم نوشت. معلم مزدورش یک نمره از او کم کرد.

### سه پنج تا شونزده تا!

سال اول راهنمایی یک ساعت تمام در مقابل معلم ریاضی مقاومت کرد و نپذیرفت سه پنج تا ۱۵ تا می شود تا وقت کلاس و مزدور جمهوری اسلامی را تلف کند.

### اتو علیه نظام!

همزمان با جنبش اتو، چروک ترین لباس هایش را اتو کرد تا حداکثر فشار را بر نیروگاه های جمهوری اسلامی تحمیل کند.

### باعث الاختلاس!

با حضور در پروژه محمد امامی و گرفتن دستمزد میلیاردری

سعی کرد بول های او را تمام کند. تا او با اختلاس دوباره منابع اقتصادی جمهوری اسلامی را تضعیف کند.

### صورتی خط دار!

با پوشیدن لباس صورتی خط دار در جشنواره فیلم کن ضربه مهلکی به اعتبار صنعت مد و پوشاک ایران در مجامع بین المللی زد که سالها قابل جبران نیست. خارجی ها که نمی دانند او با فرم دوران مدرسه به کن رفته!

### اما برنامه روزانه مبارزاتی خانم علیدوستی

- ساعت ۶ صبح: قطع کردن هشدار گوشی جهت دهن کجی به ساعت رسمی کشور و خوابیدن تا ۱۰.
- ساعت ۱۰ صبح: نشستن دست و صورت و نشستن سر میز صبحانه جهت مخالفت با توصیه های وزارت بهداشت.
- ساعت ۱۰:۱۰: خوردن ترکیب پنیر با عسل برای مبارزه با عرف تحمیلی ای که شهروندان را وادار به خوردن صبحانه های کلیشه ای همچون کره مریا یا نون پنیر گردو با جای شیرین می کند.
- ساعت ۱۱: پوشیدن ماتوی جلو باز جهت تضعیف صنعت دکمه سازی کشور.
- ساعت ۱۱:۱۰: نیستن کمربند.
- ساعت ۱۱:۲۰: نیستن کمربند ماشین هم!
- ساعت ۱۱:۳۰: عبور از چراغ قرمز.
- ساعت ۱۲ تا ۱۳:۳۰: دور دور کردن در خیابان و ۳۲ بار پلی کردن «محض رضای دختر خود شو تو گل میلیکونه» جهت پایین نشان دادن سلیقه موسیقایی شهروندان.
- ساعت ۱۴: عوض کردن کانال همزمان با شروع اخبار.
- ساعت ۱۵: روشن کردن همزمان کولر و بخاری و باز گذاشتن همه شیشه های آب و روشن کردن چراغ ها.
- ساعت ۱۶: تماس با پلیس ۱۱۰ و فوت کردن.
- ساعت ۱۷: خوردن ماهی با دوغ جهت دهن کجی به آموزه های طب سنتی.
- ساعت ۱۸: تماس با اورژانس و فوت کردن.
- ساعت ۲۰: بوق زدن مقابل بیمارستان.
- ساعت ۲۱ تا ۲۳: ادامه دور دور در خیابان ها و مبارزه موسیقایی با دو اثر فاخر «این شبی که میگم شب نیست» و «بوم بوم کنه قلیم».
- ساعت ۲۴: خوردن نون خامه ای بعد از مسواک.
- ساعت ۱ بامداد: نخوابیدن.
- ساعت ۲ بامداد: همچنان نخوابیدن.
- ساعت ۳ بامداد: متأسفانه خوابش برد!
- تمام

کار نویسند: سید مهدی موسوی

## اعتیادانه



فرشته پنهانی

از خانه تا دانش سرا چک می کنم من گاهی نمی دانم چرا چک می کنم من بیهوده کلی ماجرا چک می کنم من تا بوق سک دائم تو را چک می کنم من

ای درد بی درمان من! گوشه ای و ولم کن لطفاً برو شر خودت را زود کم کن

هی نکته علمی نیاوردم به ساعت ترند هایت کرده گیجیم چون پت و مت حالم دگرگون شد از این حجم رل و چت مانده است بر دل حسرت یک خواب راحت

ای درد بی درمان من! گوشه ای و ولم کن لطفاً برو شر خودت را زود کم کن

با زبان خوش برو یا می شوی شوت از بس به من چسبیده ای کردیم فرتوت با تو ببین افتادام بدجور از قوت صبحانه و شام و ناهارم با تو مخلوط

ای درد بی درمان من! گوشه ای و ولم کن لطفاً برو شر خودت را زود کم کن

من نان و گوشه می خورم هرروز و هرشب با اطلاع از همه عالم مرتب مغز من شده اشباع از انواع مطلب کردیم هر دو از فشار کارمان تب

ای درد بی درمان من! گوشه ای و ولم کن لطفاً برو شر خودت را زود کم کن

سهمت شد از باند جهان دولا و پهنا دنیا مجازاً شد به دستان تو دانا! تزیق نفرت می کنی در بوق و کرنا ول کن ندارد این همه اصرار معنا

ای درد بی درمان من! گوشه ای و ولم کن لطفاً برو شر خودت را زود کم کن

از جمع دورم کرده ای، تنها و بی کس افتادام انگار با تو نوی محبس از جان من دیگر چه می خواهی تو کرکس؟! من توی ترکم اینقدر چشمک نزن پس!

ای درد بی درمان من! گوشه ای و ولم کن لطفاً برو شر خودت را زود کم کن

## می میریم اما مریض نمی شویم



مجتبی قبادی

که بیداد می کند و ۵۰ دوز واکسن جوابگو نبوده انگار آب مقطر زده اند. زندان هایمان هم که کیپ تا کیپ هستند و جا نیست انگار ورزشگاه نیوکمپ بارسلونا و همه در کنار هم می لولند که از گفتن جزئیات معذورم.

در مدارس هم هر روز یک کشتار. وضعیت مدارس ما جوری شده که باید با حلیقه ضدگلوله رفت زیرا یا تو را می کشند یا از بیان جزئیات معذورم.

هر روز هم یک جنگ داریم. فقط مانده با قیابیل ماسایی کنیا بجنگیم، جوانان ما جای دانشگاه و ادارات باید بروند بجنگند، مثلاً من خودم در ارتش و در عراق جنگیده ام و از بیان جزئیات معذورم.»

در حاشیه کن گفته شد: ساموئل ال اسمیت: در کشور مردن بهتر از مریض شدن است! ساموئل ال اسمیت در نشست خبری فیلم «Leila brothers» درباره وضعیت آمریکا گفت: «نمی توانم اوضاع کشورم را توصیف کنم. ما در آنجا بدهی های سنگین به بانک ها داریم و گاهی خانه و ماشین خود را به خاطر ندادن بدهی از دست می دهیم، مثلاً من خودم Kurdish Pants ام نیز در گرو بانک است. از طرف دیگر در کشورم مردن بهتر از مریض شدن است. ممکن است ورود به سیستم درمان طبقه اقتصادی فرد را تغییر دهد، همین اسکورسیزی، خانه اش را فروخت و رفت آزمایش پروستات، کرونا هم

## دوست و دشمن

سور استفاده برخی جریان ها از احساسات مردم داغدار با مقابل هم قرار دادن «سلام فرمانده» و سانحه متروپل آبادان

سید محمدجواد طاهری



## بر جهان فرمان دهی گر خواجه را فرمان کنی



محمد رضا رضایی

به من سلام فرستاد دوستی امروز که ای نتیجه کلکت سواد بینایی شاعر می گوید یکی از دوستانش امروز در واتس اپ (زیرا تلگرام که فیلتر است) به وی پیام داده و ضمن سلام و احوالپرسی گفته: کجایی نا قلا؟ با اون سواد ناقصت باز چه کلکی سوار کردی که هیچ جنبیده بینایی تو رومی بینه؟

پس از دو سال که بختت به خانه باز آورد چراز خانه خواجه به در نمی آبی

دوست وی در ادامه می افزاید حالا که شانس زده و یک همسر پولدار گیر آورده ای و وی تو را به خانه بخت برده و داماد سرخانه شده ای، چرا از خانه پدرزنت بیرون نمی آبی یک هوایی بخوری؟ مفت خور! جواب دادم و گفتم بدار معذورم که این طریقه نه خودکامیست و خودرایی؛ شاعر می گوید که جواب دوست فضولش را داده است و گفته که: شرمنده داداش، تو درست می گی، ولی خدای واسه مفت خوری یا واسه غرور نیست که نیمایم بهت سر بزیم. کی از تو عزیزتر؟

### وکیل قاضی ام اندر گذر کمین کرده ست

به کف قباله دعوی جومار شیدایی شاعر در ادامه دلیل پنهان شدن در خانه پدرزنتش را توضیح می دهد که گویا طلبکارها از وی شکایت کرده اند و وکیلشان حکم جلبش را از مقام محترم قضایی گرفته است و بیست و چهار ساعته سر کوجه شان مانند مار زخم خورده کشیک می دهد، طوری که انگار ارث پدرش را خورده باشند.

### که گر برون نهم از آستان خواجه قدم بگیرم سوی زندان برد به رسوایی

در ادامه بیت قبل شاعر تاکید می کند طرف آن قدر سبیریش است که اگر حتی لنگ پایش از در خانه پدرزن بیرون بیاید، مأموران به محض رؤیت متهم، وی را با حفظ حقوق شهروندی و کرامت متهمین به زندان دلالت می کنند. عده ای البته «رسوایی» را در این بیت به «خرکس» تعبیر می کنند که با وجود پایبندی مأموران محترم به حقوق شهروندی، این تعبیر اشتباه است.

### جناب خواجه حصار من است گر اینجا کسی نفس زند از حجت تقاضایی

شاعر پدرزن خریول خویش را مثل دیوار چین، حصار محکمی می داند که اگر کسی نفسش در بیاید و بخواهد درخواست بیجایی از شاعر نمایا بدیش را پس بگیرد، خواجه گوشش می بُرد تا تخین بیاد.

### به عون قوت بازوی بندگان وزیر به سیلی اش بشکافم دماغ سودایی

همچنین شاعر دلیل قدرتمند بودن پدرزنتش را بیان می کند و می گوید که خواجه یکی از چاکران و دوستان نزدیک وزیر است و باز هارت و پورت می کند که اگر کسی بیگیر طلبش شود و بخواهد اولدرم، بولدرم دریاورد، سیلی به وی می زنم تا دماغش چوری جری بخورد که هیچ سوداگری نتواند بدوزد.

### همیشه باد جهانش به کام وز سر صدق کمر به بندگی اش بسته چرخ مبنایی

در پایان شاعر به جان این پدرزن کردن کلفت دعا می کند و از خداوند منان می خواهد که باد همیشه به نفع پدرزنتش بوزد و در ادامه کرامات پدرزنتش بیان می کند که یک جماعتی صبح تا شب پیشش دولا و راست می شوند، تازه آن هم از سر صداقت و ارادت و مدیونید اگر فکر کنید از سر چاپلوسی.